

ایران و جهان در آستانه دوره معاصر

ایران در فاصله سقوط صفویه تا تأسیس حکومت قاجار (۱۱۳۵-۱۲۱۰ ق) فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. در این دوره، سلسله‌های افشاریه و زندیه مدت کوتاهی حکومت کردند. تا حدودی هم‌زمان با آن، در دیگر کشورها نیز رویدادهای سرنوشت‌ساز به وقوع پیوست که بر تحولات جهان در دوران معاصر تأثیرگذار بود. در این درس علل، آثار و نتایج مهم‌ترین تحولات ایران و جهان در دوره مذکور بررسی و تحلیل می‌شود.

ایران از نادرشاه افشار تا آقامحمدخان قاجار

سقوط اصفهان و فروپاشی حکومت صفویان (۱۱۳۵ ق/۱۱۰۲ ش/۱۷۲۳ م) موجب آشفتگی امور و بروز هرج و مرج و آشوب‌های داخلی شد. افغان‌ها به دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری، نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند. روسیه و عثمانی نیز فرصت را مغتنم شمردند و بخش‌هایی از شمال و غرب میهن ما را اشغال کردند. در چنین شرایطی بود که سرداری به نام نادر از ایل افشار، برای نجات ایران پا به عرصه نهاد.

فعالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر درباره زمینه و علل و عواملی که موجب شد ایلات و عشایر در تاریخ ایران دوران اسلامی، به خصوص پس از صفویه، نقش مهمی در تحولات سیاسی و برآمدن و زوال حکومت‌ها داشته باشند، بحث و گفت‌وگو کنید.



مجسمه نادرشاه افشار - باغ نادری - مشهد

تأسیس حکومت افشاریه

ایل افشار از ایل‌های قزلباش بود که در به سلطنت رساندن حکومت صفویان نقش داشتند. در عصر صفوی، بخشی از این ایل را برای محافظت از مرزهای خراسان در برابر هجوم ازبکان به نواحی شمال آن دیار کوچاندند.

نادر، سرداری در رکاب شاهزاده صفوی

پس از تسلط افغان‌ها بر اصفهان، یکی از پسران شاه سلطان حسین صفوی به نام تهماسب برای گردآوری نیرو و بازگرداندن حکومت صفویان، از پایتخت گریخت. برخی از سرداران و

سران ایل‌ها مانند نادر افشار و فتحعلی خان قاجار (پدر بزرگ آقامحمدخان) به او پیوستند و در نخستین گام، خراسان را تصرف کردند. پس از کشته شدن فتحعلی خان قاجار، نادر که جنگاوری شجاع و متهور بود، ابتکار عمل را به دست گرفت و فرماندهی سپاه تهماسب را عهده‌دار شد. او طی چندین جنگ افغان‌ها را شکست داد. (مسیر لشکرکشی‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی نادر را روی نقشه بررسی کنید.)



نقشه لشکرکشی‌ها و جنگ‌های نادر

نادر سپس مهیای نبرد با روسیه و عثمانی شد. سپاه تحت فرمان او در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شده ایران را آزاد کرد. روس‌ها نیز با مشاهده توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

نادر، شاه ایران

پیروزی‌های برق‌آسای نادر در جنگ‌های داخلی و خارجی زمینه نشستن او بر تخت شاهی را فراهم آورد. او نخست تهماسب دوم را به بهانه بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغان فراخواند

و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- ۱- موروثی شدن سلطنت در خاندان او؛
- ۲- حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی؛
- ۳- حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی.

نادر پس از اینکه به سلطنت رسید (۱۱۴۸ق)، برای حل مشکلات سیاسی و مذهبی، به‌ویژه رفع اختلافات مذهبی با عثمانی، بسیار تلاش کرد. او گاهی با جنگ و زمانی با زبان مصالحه و مذاکره در صدد حل مشکل برآمد اما این تلاش‌ها به سبب کارشکنی‌های عثمانی و گرفتاری‌های داخلی و خارجی نادر به نتیجه مطلوب نرسید.

بررسی شواهد و مدارک

نادرشاه از ابتدای حکومت تلاش می‌کرد اختلافات مذهبی میان دو کشور ایران و عثمانی را حل کند. آخرین و مهم‌ترین اقدام او، برپایی شورای نجف در ۱۱۵۵/ق ۱۷۴۳م با شرکت ۷۰ تن از علمای شیعی و سنی ایران و مناطق هم‌جوار بود. در این شورا پس از مباحث گسترده سرانجام بیانیه‌ای تنظیم شد که مواد مهم آن چنین بوده است:

«اولاً آنکه اهل ایران از عقاید سالفه^۱ و سَبِّ و رَفْضِ^۲ نُكُول^۳ و مذهب جعفری را که از مذاهب حقه است قبول نموده و قضات و علما و افندیان^۴ کرام روم اذعان کرده و آن را خامس مذاهب شمارند.

دوم اینکه چون در کعبه معظمه ارکان اربعه مسجدالحرام به ائمه و مذاهب اربعه تعلق دارد، ائمه مذهب جعفری در رکن شافعی با ایشان شریک بوده بعد از ایشان علی‌حده با امام خود به آیین جعفری نماز گزارند...» (میرزا مهدی استرآبادی، جهانگشای نادری، ص ۳۹۱).

متن نقل شده از میرزا مهدی استرآبادی را به فارسی روان برگردانید.

درباره متن فوق فکر کنید و به این سؤالات پاسخ دهید.

۱- هدف نادر از برپایی شورای نجف چه بود؟

۲- به نظر شما آیا این اقدام نادرشاه در آن زمان درست بوده است؟

۱- عقاید گذشته

۲- لعن و نفرین کردن

۳- روی گرداندن، دست کشیدن

۴- صاحب منصبان عثمانی

بیشتر بدانیم

نبرد کرنال (۱۱۵۱/ق ۱۷۳۹م)



الماس دریای نور - موزه جواهرات ملی ایران

یکی از اقدامات نادر، لشکرکشی به هندوستان و جنگ کرنال بود. او به بهانه تعقیب افغان‌ها و اعتراض به اینکه پادشاه گورکانی هند، به آنها پناه داده است، به این کشور لشکرکشی کرد. البته برای این کار انگیزه مالی و اقتصادی نیز داشت؛ چون اداره ارتش بزرگ و پرشمار او بدون منابع مالی کافی ممکن نبود. نادر با پیروزی در جنگ کرنال، دهلی را تصرف کرد و به غنایم گران‌بهایی همچون الماس دریای نور، تخت طاووس و گنجینه‌های بزرگ جواهرات و کتب نفیس دست یافت و آنها را به همراه هزاران هنرمند و صنعتگر هندی با خود به ایران آورد.

امنیت پایدار، انتقال آرام قدرت و تثبیت حکومت افشاریه پس از خود فراهم آورد. از جمله علل و عوامل این ناکامی نادرشاه می‌توان به اشتغال پیوسته او به جنگ، مالیات‌های اضافی که از مردم برای تأمین هزینه‌های جنگ گرفته می‌شد و مهم‌تر از آن بدگمانی وی به نزدیکان و بزرگان کشور و برخورد خشن با آنان در سال‌های پایانی حکومتش اشاره کرد.

نادرشاه افشار سرانجام هنگامی که مشغول سرکوب شورشی در خراسان بود، با توطئه نزدیکان و سردارانش کشته شد (۱۶۰ق). او که سرداری بی‌باک و دارای نبوغ نظامی فوق‌العاده بود، در زمانی که آشوب‌های داخلی و هجوم ارتش‌های بیگانه موجودیت کشور ما را به خطر انداخته بود، وارد میدان شد و ایران را از خطرها و تهدیدهای جدی نجات داد. با این حال، به عنوان پادشاه مملکت توفیق نیافت که زمینه را برای ثبات و

فعالیت ۳

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، نبود وزیران و مشاوران برجسته در کنار نادرشاه چه آثار و پیامدهای سیاسی داشت؟

افشاریان پس از نادر

با مرگ نادر دورانی از رقابت و جنگ برای به دست گرفتن قدرت آغاز شد. افرادی از خاندان نادر و سرداران و سران برخی ایل‌ها و طایفه‌ها با یکدیگر به ستیز برخاستند که خرابی و کشتار زیادی به بار آورد. به علاوه، افرادی با ادعای انتساب به خاندان صفوی خواهان بازگرداندن حکومت به این خاندان بودند. در چنین شرایطی، دو تن از برادرزادگان نادر (عادل‌شاه و ابراهیم‌شاه) یکی پس از دیگری به عنوان جانشین او برای مدت کوتاهی مدعی حکومت شدند. سپس نوبت به نوه او (شاهرخ) رسید. وی از قلمرو وسیع نادر، به شهر مشهد بسنده کرد و حکومتش تا زمانی که آقا محمدخان قاجار آن را از میان برداشت (۱۲۱۲ق)، ادامه یافت.

به قدرت رسیدن زندیان

کریم‌خان زند - رئیس طایفه زند از طایفه‌های لر - از جمله سردارانی بود که پس از کشته شدن نادرشاه، درصدد کسب قدرت برآمد. او تعدادی از رقیبان و مدعیان حکومت را از میان برداشت و با تسلط بر بخش وسیعی از ایران، سلسله زندیه را تأسیس کرد. به نقشه صفحه ۲۰ نگاه کنید.

کریم‌خان از ادامه لشکرکشی و جنگ برای در اختیار گرفتن سایر مناطق ایران دست کشید و همین امر، موجبات آرامش، رونق و آبادانی قلمرو او به ویژه شیراز پایتخت زندیان را فراهم آورد.



نگارهٔ کریم خان زند هنگام دیدار با فرستادهٔ عثمانی

کریم خان، برخلاف سنت معمول، از پذیرفتن عنوان شاه امتناع کرد و خود را وکیل مردم ایران (وکیل الرعایا)^۱ خواند. بعضی از خصوصیات اخلاقی کریم خان مانند مدارا با دشمنان، همدردی با مردم، ساده‌زیستی و رفتار مناسب با اقلیت‌های دینی و مذهبی باعث شده است که نام و نشان نیکی از او در تاریخ ایران به جا بماند.



نقشهٔ ایران در دوران زندیه

فعالیت ۴

نقشه‌های تاریخی ایران در دوران نادرشاه و عصر زندیه را مقایسه و تفاوت‌های آنان را با ذکر دلیل بیان کنید.

۱- کریم خان در آغاز، خود را وکیل‌الدوله خواند که به منزلهٔ وکالت از طرف شاهزاده‌ای صفوی بود اما اندکی بعد لقب وکیل‌الرعا یا را که به معنای نمایندهٔ مردم ایران بود، برای خود برگزید (سفرنامهٔ نیپور، ص ۲۰۷؛ آصف، رستم‌التواریخ، ص ۳۸۳).

ایران پس از کریم خان

با مرگ کریم خان زند (۱۱۹۳ق/۱۷۷۹م) دوباره آشوب ایران را فراگرفت. افرادی از طایفه زند برای رسیدن به تاج و تخت با هم به رقابت و ستیز برخاستند و صفحه خونین دیگری از تاریخ ایران را رقم زدند؛ به گونه‌ای که در کمتر از ۱۵ سال هفت تن از این خاندان به قدرت رسیدند. نتایج این کشمکش‌ها، فروپاشی سیاسی و اقتصادی و آسیب دیدن توان نظامی و اداری کشور بود. **لطفعلی خان**، آخرین فرمانروای زند، با وجود شجاعت و لیاقت نتوانست سلسله زند را حفظ کند و به دلیل غرور، اشتباهات نظامی و روی گردانی بزرگانی چون ابراهیم خان کلانتر، از دربارش، از آقامحمدخان قاجار شکست خورد و پس از دستگیری کشته شد. با مرگ لطفعلی خان سلسله زندیه منقرض شد (۱۲۰۹ق/۱۷۹۴م).

بیشتر بدانیم

لطفعلی خان زند از نگاه مردم

سرهار فورده جونز انگلیسی که در زمان فتحعلی شاه قاجار سفیر انگلستان در ایران بود، در واپسین روزهای زندگی لطفعلی خان زند به خدمت او رسید تا ترتیب فروش برخی جواهرات سلطنتی را بدهد؛ از جمله دو الماس مشهور دریای نور و تاج ماه را که در اختیار لطفعلی خان بود. توصیف او از لطفعلی خان خواندنی است: «مردم لطفعلی خان را به خاطر صفات شایسته‌اش بسیار دوست داشتند. شهامت، پایداری، شجاعت و کفایتی که او به هنگام بلا و سختی از خود نشان می‌داد. هنوز موضوع ترانه‌هایی است که شاید تا زبان فارسی زنده است، زنده بمانند...» (سرهار فورده جونز، **آخرین روزهای لطفعلی خان زند**، ص ۸).

روابط خارجی ایران در دوره افشاریه و زندیه

مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج در دوران افشاریه و زندیه به علت درگیری‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی نسبت به عصر صفوی کاهش چشمگیری یافت. مهم‌ترین مسائل خارجی ایران در این دوره، برخوردهای سیاسی - نظامی با همسایگان غربی (عثمانی) و شمالی (روسیه) بود که پیش‌تر درباره آن سخن گفتیم. با وجود مخالفت زمامداران عثمانی با تلاش‌های نادرشاه برای حل اختلافات مذهبی میان دو کشور مسلمان، سرانجام با عقد معاهده‌ای میان دو طرف صلح برقرار شد که تا اواخر حکومت کریم خان، که سپاه زندیه بصره را تصرف کرد، دوام آورد.

در دوره افشاریه و زندیه، مناسبات سیاسی و اقتصادی و ارتباطات فرهنگی ایران با کشورهای اروپایی چندان رونقی نداشت. در این دوره، نمایندگانی از بعضی کشورهای اروپایی به ایران آمدند. نادر برای انگلیسی‌ها معافیت‌های گمرکی در نظر گرفت و در صدد برآمد از دانش آنان در زمینه تأسیس نیروی دریایی در دریای مازندران و خلیج فارس استفاده کند. به همین منظور، جان التون انگلیسی را استخدام کرد. در دوره کریم خان زند هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان برای گرفتن امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمدند اما چون با او به توافق نرسیدند، گشایشی در روابط صورت نگرفت.

نظام اداری و سیاسی

سازمان اداری و دیوانی ایران در عصر افشاریه و زندیه تا حدودی به سبب حاکمیت عناصر ایلی، غلبه تفکر نظامیگری، بی‌ثباتی سیاسی و کوتاه بودن دوران استقرار سلسله‌های مذکور، اعتبار و قوت سابق را نداشت. حکومت نادرشاه بر اقتدارگرایی مطلق شاه و تمرکز بر امور نظامی و ارتش متکی بود و نهادهای اداری در عصر حکومت او رونق چندانی

نداشتند. نادرشاه در امور اداری و اقتصادی، بیشتر از دوستان و نزدیکانش به عنوان مشاور، استفاده می‌کرد و به وزارت و دیوان‌سالاری توجهی نداشت. این بی‌توجهی به نظام اداری تاجایی بود که او شهری را به عنوان پایتخت خود انتخاب نکرد. البته در منابع از مشهد و کلات به عنوان پایتخت او یاد شده است ولی این مراکز بیشتر محل گردآوری خزاین و غنایم نادر بوده‌اند. شیوه اداره ایالات، ولایات، شهرها و روستاها در عصر افشاریه و زندیه همانند دوره صفویه بود و صاحب‌منصبانی با همان عناوین سابق این مراکز را اداره می‌کردند.

اقتصاد، تجارت و کشاورزی

پس از سقوط صفویان، به علت جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی و اشغال بخش‌هایی از نواحی غربی و شمالی ایران توسط عثمانی و روسیه، کشاورزی و تجارت ایران دچار ضعف و رکود شدیدی شد. تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه و نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده به کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی انجامید. همچنین، مالیات‌های سنگینی که از مردم برای تأمین هزینه‌های نظامی گرفته می‌شد، نابسامانی‌های اقتصادی را تشدید کرد. در دوره کریم‌خان زند اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند. آرامش و ثبات سیاسی نسبی، کاهش مالیات‌ها، دربار کم‌تجمل و تلاش کریم‌خان برای تثبیت قیمت کالاها از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی این دوره بود.

علم، ادبیات و آموزش

در عصر افشار و زند به سبب آشفته‌گی‌های سیاسی و اجتماعی، علم و آموزش رونق دوران صفویان را نداشت. در پی سقوط صفویه، مدارس و حوزه‌های علمیه اصفهان و شهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طلاب که از هجوم افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند. با این حال در نتیجه آرامش و ثبات نسبی که در زمان کریم‌خان زند به وجود آمد، فعالیت‌های علمی و آموزشی کمی رونق گرفت و مدرسه‌های جدیدی ساخته شد. شعر و ادب فارسی در دوره زندیه تحول چشمگیری یافت که محققان از آن با عنوان «نهضت بازگشت ادبی» یاد کرده‌اند. چهره‌های برجسته این سبک ادبی به سبک خراسانی و شیوه شعری چون فرخی، عنصری، سعدی و حافظ شعر می‌سرودند.



مدرسه علمیه خان یزد؛ این مدرسه به همت محمدتقی خان، والی خیراندیش یزد در سال ۱۱۸۶ق بنا شد.

فقیهان، فیلسوفان، پزشکان و ادیبان سرشناس عصر افشاریه و زندیه

آثار و اقدامات علمی	دانشمندان و ادیبان
فقیه و مجتهد بزرگ شیعه و احیاگر مکتب اصولی و صاحب آثار متعددی در فقه و اصول	محمد وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ق)
فقیه اصولی و رجال نویس شیعه و صاحب آثاری در فقه و علم رجال	سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۱۵-۱۲۱۲ق)
فقیه، حکیم و فیلسوف برجسته و صاحب آثاری در تفسیر، حکمت و کلام	آقامحمد بیدآبادی (د: ۱۱۹۸ق)
پزشک کریم‌خان، عالم به علوم پزشکی، ریاضی، نجوم و حکمت و فنون شعر و موسیقی	میرزا محمد نصیر اصفهانی (د: ۱۱۹۱ق)
شاعر بزرگ عهد نادرشاه و از بنیان‌گذاران نهضت بازگشت ادبی	مشتاق اصفهانی (۱۱۰۱-۱۱۷۱ق)
شاعر و تذکره‌نویس برجسته قرن ۱۲ق و از بنیان‌گذاران نهضت بازگشت ادبی	لطفعلی‌خان آذربیکدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵ق)
شاعر نامی ایران در عهد افشاریه و زندیه و از پیشروان نهضت بازگشت ادبی	هاتف اصفهانی (د: ۱۱۹۸ق)

هنر و معماری

به علت آشفته‌گی سیاسی و اجتماعی کشور پس از صفویان، امکان رشد و ترقی هنر و معماری دور از انتظار بود. با این حال، در زمان حکومت نادر شاه و دوره استقرار کریم‌خان زند در شیراز اقدامات قابل توجهی صورت گرفت. ورود هنرمندان و صنعتگران هندی پس از فتوحات نادر در هند، موجب تلفیق هنر ایرانی و هندی شد. مدارا و احترام کریم‌خان نسبت به هنرمندان و علما نیز موجب رونق هنر و معماری در زمان او شد. در دوره نادر شهر اصفهان بازسازی شد و در منطقه کلات که محل نگهداری خزاین نادر بود، بناهای باشکوهی مانند کاخ خورشید ساخته شد.

کاخ خورشید - کلات نادری - خراسان رضوی





حمام وکیل - شیراز

کریم‌خان زند علاقه زیادی به ساختن بناهای باشکوه داشت. ساخت مجموعه مسجد و بازار و حمام وکیل، ارگ کریم‌خانی و بازسازی آرامگاه حافظ، سعدی و باغ دلگشا، گوشه‌ای از اقدامات عمرانی او در شیراز است. در دوره زند نوعی از بناها با کاربرد تفریحی گسترش یافت که به کلاه‌فرنگی معروف بود و آن بنایی کوچک و گاهی تزیینی بود که در وسط باغ‌ها یا تفریحگاه‌ها ساخته می‌شد. در نقاشی و نگارگری، به ویژه در عصر کریم‌خان زند، تحولی بزرگ به وجود آمد و نقاشان به تدریج هنر خود را با معیارهای هنری اروپا تطبیق دادند. مکتب نقاشی شیراز که در دوره مغولان شکل گرفته بود، در زمان زندیه به اوج رونق و زیبایی رسید و نقاشان برجسته‌ای مانند محمدصادق، اشرف و میرزا بابا آثار زیبایی آفریدند.

جهان در آستانه دوران معاصر

الف) حکومت‌های مسلمان در گرداب مشکلات

سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی دو سوی عالم وضعیت دوگانه متضادی داشت؛ در جانب شرق سه حکومت مسلمان یعنی ایران، عثمانی، و گورکانیان هند دوران ضعف خود را سپری می‌کردند و در جانب غرب، امپراتوری‌ها و دولت‌های روسیه، فرانسه و انگلستان در مسیر قدرت و شکوفایی قرار داشتند. ضعف امپراتوری‌های مسلمان دلایل خاص خود را داشت.



نگاره سلطان سلیم سوم (۱۷۸۹-۱۸۰۷ م) هنگام به حضور پذیرفتن مقام‌های امپراتوری در کاخ توپ‌کاپی - استانبول

۱- عثمانی، مرد بیمار اروپا؛ امپراتوری عثمانی در قرن ۱۸م بر بخش‌های وسیعی از شمال آفریقا و آسیای غربی تا اروپای شرقی حکومت می‌کرد. هم‌زمان با روی کار آمدن حکومت افشاریه، این دولت دورانی از ضعف را می‌گذراند. گسترده‌گی قلمرو و تنوع اقوام و ادیان و مذاهب، سیاست‌های خشن و نادرست عثمانی‌ها در برخورد با اقلیت‌های قومی و مذهبی، دخالت‌های زنان حرم‌سرا در امور کشوری و فساد سران سپاه سبب اصلی این ضعف بود. در چنین شرایطی، کشورهای اروپایی به ویژه روسیه، انگلیس، فرانسه و اتریش هر کدام برای کسب منافع و به بهانه دفاع از حقوق اقلیت‌ها، در امور داخلی عثمانی دخالت می‌کردند و این امر به ضعف بیشتر این امپراتوری منجر می‌شد؛ تا جایی که این کشور در قرن ۱۹م **مرد بیمار اروپا** لقب گرفت. دولت عثمانی در برابر هر نوع اصلاحات و حتی دستاوردهای علمی مقاومت می‌کرد و از قبول پیشنهاد وحدت مذهبی نادرشاه و حل اختلافات مذهبی درون جهان اسلام نیز سرباز می‌زد. افول عثمانی، که هم‌زمان با دگرگونی‌های سیاسی و شکوفایی تمدنی اروپاییان بود، تأثیر زیادی در پیشبرد سیاست‌های استعماری غرب در مشرق زمین داشت.

۲- گورکانیان هند اسیر استعمار غربی؛ حکومت گورکانیان هند با مغولان کبیر را محمد بابر، نواده تیمور گورکانی، تأسیس کرد (۹۳۲ق/۱۵۲۶م). او بر بخش بزرگی از هندوستان حکومت می‌کرد و حکومتش نقش مهمی در گسترش اسلام و زبان فارسی در هندوستان داشت. در قرن ۱۸م، حکومت گورکانی هند همانند امپراتوری عثمانی رو به ضعف نهاد. اختلاف و دشمنی میان هندوها و مسلمانان، سوء مدیریت و ضعف شاهان، دسته‌بندی و توطئه‌های درباریان و ورود استعمارگران به این سرزمین از عوامل اصلی ضعف و انحطاط گورکانیان هند بود.

پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها نخستین استعمارگرانی بودند که به هند وارد شدند. دولت گورکانی به اروپاییان امتیازات تجاری و گمرکی قابل توجهی داد. در سده ۱۸م، دولت‌های فرانسه، هلند و انگلستان نیز وارد هندوستان شدند و با تأسیس شرکت‌های بزرگ تجاری با نام

کمپانی هند شرقی فعالیت‌های استعماری خود را گسترش دادند. استعمارگران اروپایی به تدریج با دامن زدن به اختلافات دینی و قومی در هند، بخش‌هایی از آن سرزمین را تصرف کردند. در همان حال، میان استعمارگران رقابت شدیدی وجود داشت و جنگ‌هایی میان آنان در گرفت که با پیروزی انگلستان به پایان رسید. انگلیسی‌ها با غارت سرزمین ثروتمند هند قدرت خود را در جهان توسعه دادند و برای حفظ سلطه خویش، اقدام به دست‌اندازی بر سرزمین‌های مجاور و مداخله در امور کشورهای همسایه هند از جمله ایران کردند. سرانجام در سال ۱۸۵۷م پس از سرکوب شورش سربازان هندی، دولت انگلستان رسماً هند را جزئی از قلمرو خویش اعلام کرد و ملکه انگلستان به امپراتریس هند و بریتانیا ملقب شد.



بهادرشاه دوم، آخرین فرمانروای گورکانی هند (۱۸۳۷-۱۸۵۷م) که کمپانی هند شرقی انگلستان او را از قدرت برکنار و به برمه تبعید کرد.

ب) اروپا و آمریکا؛ انقلاب و استعمار

کشورهای اروپایی در سده‌های پس از عصر رنسانس شاهد انقلاب‌های^۱ سیاسی بزرگی بودند که به تغییرات سیاسی و اجتماعی عمیق و بنیادینی در این کشورها منجر شد. ظهور انقلاب صنعتی نیز تحولات مهمی در پی داشت که شتاب گرفتن و گسترش استعمار^۲ از جمله آنها بود.

۱- انگلستان، انقلابی آرام برای نظام مشروطه؛ در اواخر قرن ۱۷م تحول سیاسی بزرگی در انگلستان رخ داد که بر جهان پس از خود تأثیر چشمگیری گذاشت. اگرچه از قرن ۱۳م در انگلستان مجلس (پارلمان) به وجود آمده بود اما این نهاد قدرت



ملکه ویکتوریا (۱۸۱۹-۱۹۰۱ م)

چندانی نداشت. در سال ۱۶۴۶م میان مجلس به رهبری الیور کرامول^۲ و چارلز یکم^۴، پادشاه انگلستان، جنگی در گرفت که به پیروزی مجلس انجامید. کرامول نظام پادشاهی را برانداخت و خود رئیس‌جمهور شد. او سپس به دلایل مذهبی با مجلس درگیر شد و آن را منحل کرد.

پس از مرگ کرامول، مجلس و نظام سلطنت دوباره احیا شدند، اما پادشاه انگلستان، که سلطنت را موهبت الهی می‌دانست، به مجلس توجهی نداشت. از این رو، بار دیگر با یکدیگر ستیز کردند تا اینکه مجلس پیروز شد (۱۶۸۸م). این اتفاق در تاریخ انگلستان به انقلاب با شکوه شهرت دارد. بزرگ‌ترین دستاورد این انقلاب که بدون خشونت به اهداف خود رسید، این بود که منشأ الهی سلطنت نفی و مجلس منشأ قدرت و تعیین‌کننده اختیارات پادشاه شناخته شد.

انگلستان پس از انقلاب باشکوه، رقبای بزرگی همچون اسپانیا و فرانسه را شکست داد و مستعمرات خود را در گوشه و کنار جهان گسترش داد. این کشور به ویژه در دوران حکومت طولانی ملکه ویکتوریا به قدرت اول جهان تبدیل شد و به بخش‌های بزرگی از آفریقا، آسیا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی دست یافت.

۱- انقلاب (Revolution) به معنای دگرگونی سریع و بنیادی همراه با تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و گاه اجتماعی در یک کشور است.

۲- استعمار (Colonization) در لغت به معنی آباد کردن است و در اصطلاح عبارت است از تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشوری قدرتمند بر کشور یا سرزمینی دیگر برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و اقتصادی و گاه استفاده از امکانات نظامی آن کشور یا سرزمین.

۳- Oliver Cromwell

۴- Charles I



نگاره جورج واشینگتن (۱۷۲۲-۱۷۹۹ م)

۲- ایالات متحده آمریکا در راه استقلال؛ سرزمین ایالات

متحده آمریکا تا قرن ۱۸ شامل سیزده ایالت در ساحل اقیانوس اطلس بود که مستعمره انگلستان به شمار می‌رفت. جمعیت این سرزمین شامل مهاجران اروپایی بود که به دلایل مذهبی، سیاسی و اقتصادی به آنجا مهاجرت کرده بودند. در نتیجه وضع مالیات‌های سنگین توسط دولت انگلیس و تحریکات فرانسویان، مردم این سرزمین به فرماندهی جورج واشینگتن^۱ برای رسیدن به استقلال وارد جنگ با انگلستان شدند (۱۷۷۵ م). این جنگ سرانجام با پیروزی مستعمره‌نشینان و استقلال ایالات متحده به پایان رسید (۱۷۸۳ م) و جورج واشینگتن به عنوان نخستین رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شد (۱۷۸۹ م).

دولت ایالات متحده پس از استقلال این کشور با پیشروی به سوی غرب و کشتار وسیع سرخ‌پوستان، که ساکنان اصلی آمریکا بودند، سرزمین‌های وسیعی را تصاحب کرد. این دولت همچنین با بهره‌گیری از نیروی کار بردگان آفریقایی اقتصاد خود را توسعه بخشید و در سده ۱۹ م به پیشرفت‌های وسیع سیاسی، اقتصادی و صنعتی دست یافت.

فعالیت ۵

بررسی شواهد

در ژوئیه ۱۷۷۶ م مستعمره‌نشینان که برای کسب استقلال با انگلستان می‌جنگیدند، اعلامیه استقلال ایالات متحده را صادر کردند. در مقدمه این اعلامیه آمده است: «ما این حقایق را بدیهی می‌انگاریم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق سلب نشدنی معینی به آنها اعطا کرده است که حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی از جمله آنهاست...».

با بررسی رفتار سفیدپوستان آمریکا با سرخ‌پوستان، که ساکنان اصلی آن سرزمین بودند و نیز بردگان سیاه‌پوست آفریقایی، میزان پایبندی دولت ایالات متحده به اعلامیه استقلال را تجزیه و تحلیل کنید.



نگاره تکومسه (Tecumseh)، رهبر جنگجوی قبایل سرخ‌پوست که در برابر پیشروی سربازان آمریکایی مقاومت بسیاری کرد (اوایل قرن ۱۹ م).

۳- فرانسه، انقلابی برای آزادی و برابری؛ کشور فرانسه

در قرن ۱۸م به سبب شکست نظامی از انگلستان و صرف منابع مالی هنگفت در سرزمین آمریکا با ورشکستگی اقتصادی و ضعف سیاسی و نظامی روبه‌رو شد. از نظر اجتماعی نیز در فرانسه مشکلاتی به وجود آمد. جامعه فرانسه در آن زمان دارای سه طبقه اجتماعی مشخص بود:

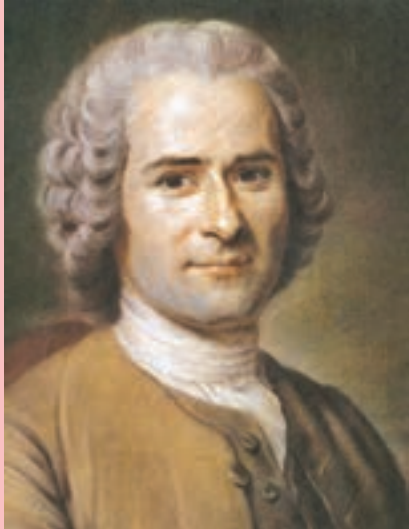
الف) طبقه ممتاز شامل اشراف و زمین‌داران بزرگ که علاوه بر داشتن امتیازات بسیار، از پرداخت مالیات معاف بودند.

ب) طبقه متوسط که اغلب تحصیل کرده بودند و مشاغلی همچون وکالت، نویسندگی، طبابت، روزنامه‌نگاری و تجارت داشتند. آنها از اینکه طبقه ممتاز برایشان امتیازی قائل نبود، به شدت ناراضی بودند.

پ) طبقه فقیر جامعه که در این زمان جمعیت بسیار زیادی بودند و بار اصلی مالیات‌ها و خدمات نظامی بر دوش آنان بود. اینان حکومت لویی شانزدهم، پادشاه فرانسه، و طبقه ممتاز را عامل سیه‌روزی خود می‌دانستند.

در کنار این عوامل، تحولات فکری جامعه فرانسه نیز نقش بزرگی

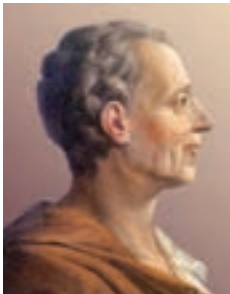
در پیدایش انقلاب داشت. در این کشور تحت تأثیر عصر روشنگری اروپا، فلاسفه و روشنفکرانی ظهور کردند که اندیشه‌های آنان مردم را به سوی انقلاب رهنمون ساخت. گروهی از این روشنفکران، که به دایرة المعارف نویسان شهرت داشتند، با طرح مباحث علمی و ادبی شروع به انتقاد از وضع موجود کردند. ولتر^۱، مونتسکیو^۲ و روسو^۳ سه تن از مشهورترین روشنفکران فرانسه در این دوره بودند. ولتر از اطاعت انسان از عقل و مبارزه با خرافات سخن می‌گفت. مونتسکیو از تفکیک قوای سیاسی و حقوق بشر دفاع می‌کرد. روسو نیز بر اهمیت انتخابات تأکید می‌کرد و تشکیل حکومت را حاصل قراردادی اجتماعی می‌دانست. این‌گونه نظریات دیدگاه مردم فرانسه را تغییر داد. غفلت لویی شانزدهم از احوال مردم از یک سو و تجملات و ولخرجی‌های او و درباریان از سوی دیگر آتش خشم مردم را شعله‌ور ساخت.



نگاره ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸م)

بیشتر بدانیم

نامه‌های ایرانی

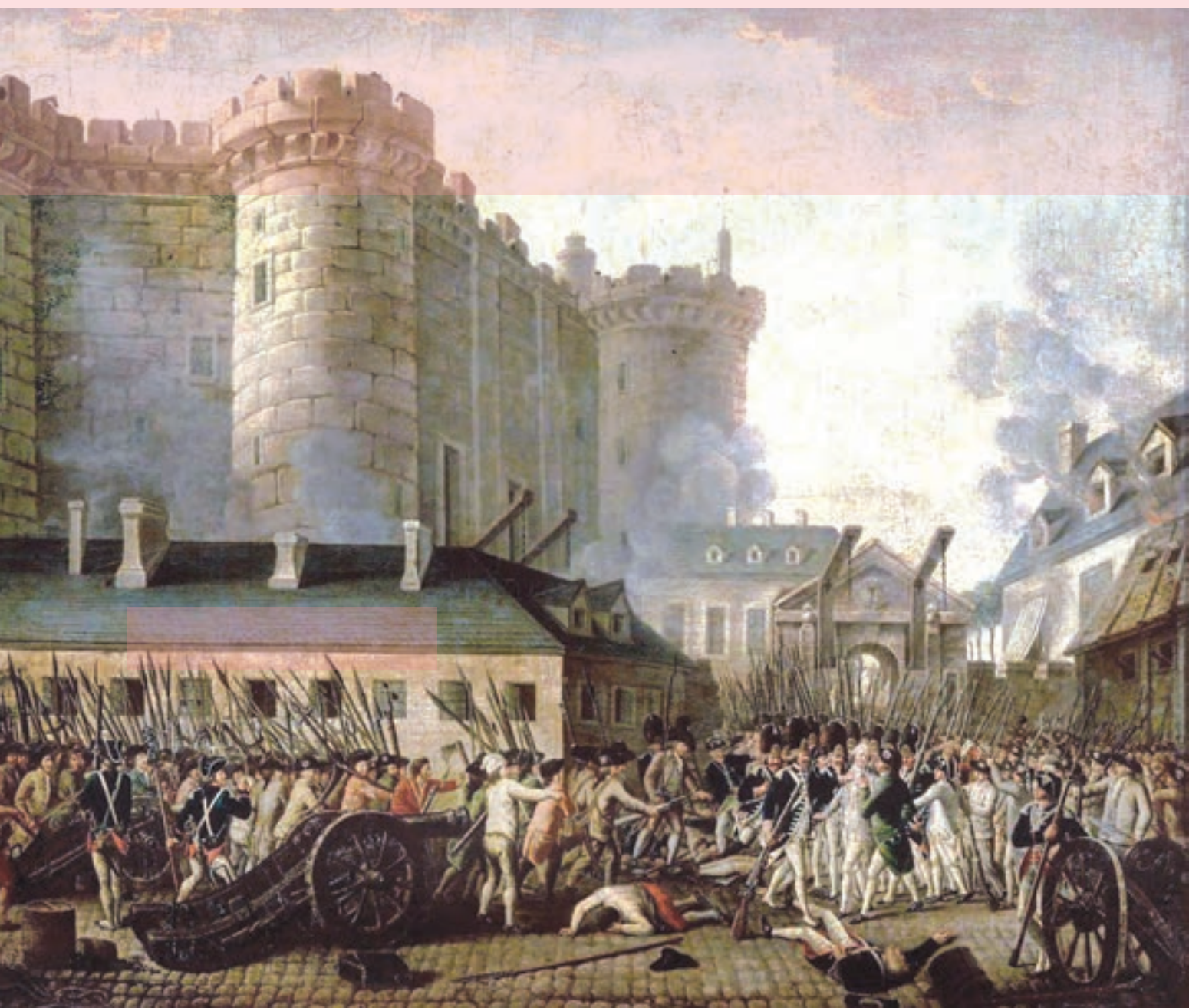


شارل مونتسکیو از متفکران عصر انقلاب فرانسه است. روح‌القوانین و نامه‌های ایرانی مهم‌ترین آثار اوست. او در نامه‌های ایرانی، از زبان دو مسافر ثروتمند ایرانی در فرانسه، به شکل غیرمستقیم آموزه‌های کلیسا و اخلاق عمومی فرانسویان را زیر سؤال می‌برد و از استبداد حاکم انتقاد می‌کند. مونتسکیو در مقدمه کتاب به کوه فکری فرانسویان طعنه می‌زند که نمی‌دانند ایران کجاست و همچنین غیر از فرانسوی‌ها، ملت‌های دیگری نیز در جهان وجود دارند.

نگاره مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵م)

سرانجام در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ مردم اغلب بینوا و خشمگین پاریس با حمله به زندان باستیل انقلاب خود را آغاز کردند. انقلابیون سرانجام لویی شانزدهم، پادشاه مستبد فرانسه، را وادار به امضای قانون اساسی جدید و پذیرش نظام مشروطه سلطنتی کردند. مدتی بعد، انقلابیون تندرو پادشاه را عزل و نظام جمهوری را برقرار نمودند. آنان سپس لویی و همسرش، ماری آنتوانت، را اعدام کردند. اعدام این دو و افکار و شعارهای آزادی خواهانه انقلابیون موجب ترس و خشم دولت‌ها در کشورهای اروپایی شد. در نتیجه، آنها با فرانسه وارد جنگ شدند. طی این جنگ‌ها یکی از فرماندهان ارتش فرانسه به نام ناپلئون بناپارت با پیروزی‌های درخشانی که به دست آورد، به شهرت رسید. او با اجرای یک کودتا به قدرت دست یافت (۱۷۹۹م) و سپس به عنوان امپراتور فرانسه انتخاب شد. در دوران حکومت ناپلئون (۱۸۰۴-۱۸۱۴م) تحولات سیاسی و نظامی زیادی در اروپا و ایران صورت گرفت.

تابلوی نقاشی حمله انقلابیون فرانسه به زندان
باستیل، نماد استبداد - پاریس - ۱۷۸۹م



۴- انقلاب صنعتی، دگرگونی جهان: تا اواخر قرن ۱۸م عامل اصلی تولید نیروی بازوی انسان بود. صنعتگران برای تولید کالای بیشتر، مهارت های فکری، جسمی و هنری خود را به کار می بستند و از دیگر نیروهای طبیعت، مانند آب و باد، کمتر استفاده می کردند. در انقلاب صنعتی نیروی محرکه آب و سپس بخار جایگزین نیروی جسمی انسان شد. این انقلاب با اختراع و تکمیل ماشین بخار در انگلستان آغاز گردید. نخستین تحول صنعتی در نساجی و پارچه بافی صورت گرفت. سپس، این انقلاب در کشاورزی، حمل و نقل و دیگر بخش های تولید نیز رخ داد و در نتیجه آن، تولیدات صنعتی افزایش قابل توجهی یافت.

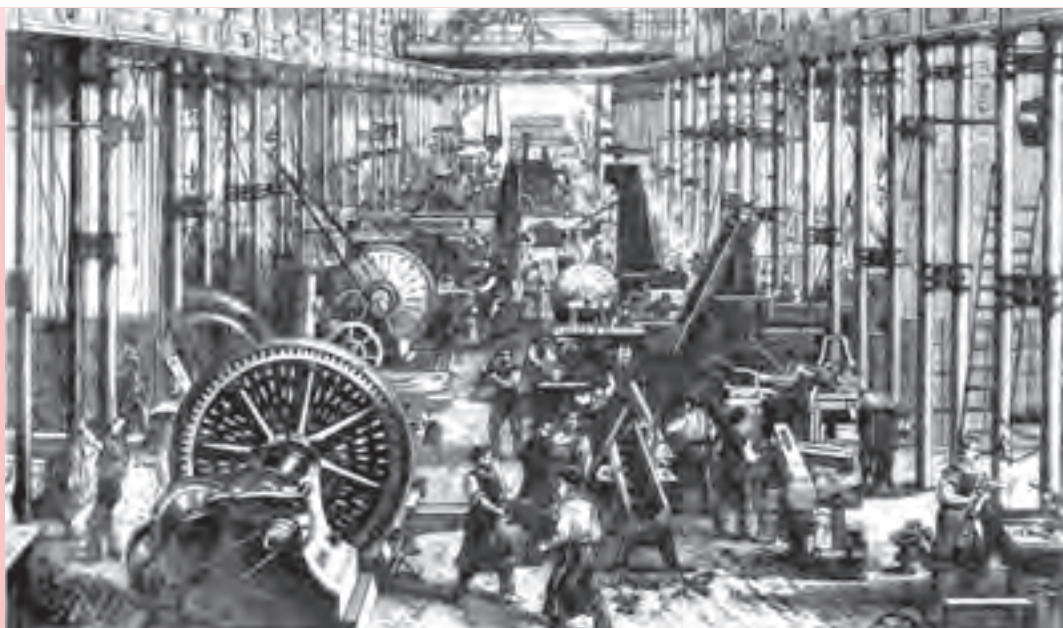


تابلوی آهن و زغال سنگ، اثر ویلیام بل اسکات، نقاش اسکاتلندی
- اواسط سده ۱۹م

انقلاب صنعتی موجب تغییر مناسبات انسانی، اجتماعی و اقتصادی در اروپا و جهان شد؛ زیرا در نتیجه صنعتی شدن، کشورهای اروپایی به مواد اولیه، نیروی کار ارزان، بازار فروش محصولات، سرمایه مادی فراوان و حمایت دولت ها نیاز پیدا کردند. به همین سبب، دو پدیده اقتصادی و اجتماعی مهم شکل گرفت:

الف) گسترش استعمار و غارت کشورهای آسیایی و آفریقایی،
ب) افزایش استثمار و بهره کشی از کارگران (در داخل اروپا).

انقلاب صنعتی اگرچه موجب قدرت و رفاه بیشتر اروپاییان شد، اما مسائل و مشکلات بزرگی همچون گسترش بی رویه شهرها، رشد سریع جمعیت، به وجود آمدن فاصله طبقاتی، نارضایتی های اجتماعی و اقتصادی و آلودگی های زیست محیطی به وجود آورد.



نگاره یکی از کارخانه های صنعتی بزرگ آلمان - ۱۸۶۸م

۵- روسیه در مسیر توسعه‌طلبی نظامی؛ روسیه تا پیش از به قدرت رسیدن پتر کبیر (۱۶۸۲-۱۷۲۵م) کشوری عقب‌مانده و منزوی بود، اما سیاست و اقدام‌های پتر کبیر، این کشور را متحول کرد و در مسیر پیشرفت و توسعه‌طلبی سیاسی و نظامی قرار داد. او با استخدام کارشناسان اروپایی، تأسیس مدارس و دانشگاه‌های جدید و تقویت ارتش به ویژه نیروی دریایی این کشور را به قدرت بزرگی تبدیل کرد. یکی از برنامه‌های پتر برای قدرتمند شدن روسیه، گسترش سرزمین روسیه و دستیابی به دریاهای آزاد برای کسب منافع تجاری و سیاسی بود. جانشینان او تلاش کردند به این برنامه عمل کنند و به همین سبب در نواحی شرقی اروپا و حوزه دریاهای بالتیک، سیاه و مازندران (خزر) اقدامات نظامی وسیعی انجام دادند. این اقدامات موجب جنگ‌های متعدد روسیه با ایران، عثمانی و برخی کشورهای اروپایی، نظیر فرانسه، شد.



پتر کبیر، پدر روسیه جدید

پرسش‌های نمونه

- ۱- وضعیت سیاسی و نظامی ایران در دوران افشاریه و زندیه را با عصر صفویه مقایسه کنید.
- ۲- قضاوت خود را درباره شخصیت نادر و نقش او در تاریخ ایران در پنج سطر بیان کنید.
- ۳- علل، آثار و نتایج ضعف و ناکارآمدی نظام اداری (دیوان‌سالاری) ایران در دوران افشاریه و زندیه را توضیح دهید.
- ۴- به نظر شما، انقلاب باشکوه انگلستان چه تأییراتی بر اروپای قرن هیجدهم گذاشت؟
- ۵- علل اجتماعی-سیاسی، فکری و فرهنگی انقلاب بزرگ فرانسه چه بود؟
- ۶- انقلاب صنعتی چه آثار و پیامدهایی داشت؟